

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 1, Spring 2022, 305-330
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.34479.2105

A Critical Review on the Book “*The East Asian Development Experience: The Miracle, The Crisis and the Future*”

Zahra Karimi Moughari*

Abstract

“The East Asian Development Experience: The Miracle, The Crisis and The Future” is written by Ha Joon Chang and is translated into Persian by Leila Sadat Fatemi Nasab. The book explains the causes of successful development in East Asian countries. These countries which were poor and backward after the Second World War, during a few decades, became newly industrializing countries. There are different views about the causes of the development of East Asian countries. Some experts believe that the major cause is their acceptance of market mechanisms and export orientation. While others emphasize the governments' role in supporting infant industries and encouraging the private sector exports. Chang shows that free-market mechanism was not the cause of their success. Conversely, governments' conditional supporting measures alongside effective supervision on the private sector economic performance, and emphasis on exports had a major impact in the development of the East Asian countries. *“The East Asian Development Experience: The Miracle, The Crisis and The Future”* is a very useful book for Iranian researchers and policymakers in the current situation. Fatemi Nasab's translation of

* Associate Professor, Department of Economics, University of Mazandaran, Babolsar, Iran,
zakarimi@umz.ac.ir

Date received: 23/10/2021, Date of acceptance: 23/02/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۳۰۶ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۱، فروردین ۱۴۰۱

the book is very good but there are a few problems in translating special words that seem to be related to the lack of deep knowledge in economics.

Keywords: Development, East Asia, Korea, Infant Industries, Market Mechanism.



نقد کتاب معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی

زهرا کریمی موغاری*

چکیده

کتاب تجربه توسعه آسیای شرقی؛ معجزه، بحران و آینده، نوشته‌ی ها جون چانگ، و ترجمه‌ی لیلا سادات فاطمی نسب، در پی یافتن علل اصلی توسعه‌ی موفقیت آمیز کشورهای آسیای شرقی است. کشورهای شرق آسیا، که پس از جنگ جهانی دوم کشورهای فقیر و عقب مانده بودند، طی چند دهه به کشورهای تازه صنعتی شده مبدل گردیدند. در مورد علل توسعه‌ی سریع کشورهای شرق آسیا نظرات متفاوتی ابراز شده است. برخی پژوهشگران عامل اصلی موفقیت این کشورها را پیروی از سازوکار بازار، جهت‌گیری صادراتی دانسته‌اند؛ در حالی که گروهی دیگر بر نقش دولت در حمایت از صنایع نوپا، و ارائه‌ی مشوق‌های مختلف برای بخش خصوصی جهت سمت‌گیری تاکید کرده‌اند. هاجون چانگ در این کتاب با مرور تحولات اقتصادی کشورهای شرق آسیا، به ویژه کره، نشان می‌دهد که پیروی از سازوکار بازار آزاد عامل موفقیت این کشورها نبوده؛ و دولت با حمایت‌های مشروط و موقت، همراه با نظارت کارآمد بر نحوه‌ی عملکرد بخش خصوصی و تاکید بر صادرات، نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه‌ی کشورهای آسیای شرقی داشته است. کتاب تجربه توسعه آسیای شرقی برای پژوهشگران و سیاست‌گذاران ایرانی در شرایط کنونی بسیار ارزشمند و راهگشا است.

کلیدواژه‌ها: توسعه اقتصادی، آسیای شرقی، کره، صنایع نوپا، سازوکار بازار

* دانشیار علوم اقتصادی، عضو هیات علمی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، zakarimi@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

علل توسعه‌ی موفقیت آمیز کشورهای آسیای شرقی از سوی پژوهشگران بسیاری مورد بررسی قرار گرفته است. سیاست‌گزاران، محققان و دانشجویان ایرانی نیز عموماً به مطالعه‌ی تحولات این کشورها علاقمندند و می‌خواهند علل موفقیت این کشورها در دستیابی به توسعه‌ی صنعتی و ارتقاء جایگاه این کشورها در اقتصاد جهانی را بشناسند تا راهنمایی برای مقابله با توسعه نیافتگی در ایران به دست آورند. کتاب‌ها و مقالات در ارتباط با فرایند توسعه‌ی کشورهای آسیای شرقی به فارسی نوشته شده یا از دیگر زبان‌ها ترجمه شده است. هاجون چانگ، اقتصاددان کره‌ای که در ارتباط با چالش‌های توسعه کتاب‌ها و مقالات بسیاری را به رشته‌ی تحریر درآورده در ایران چهره‌ی شناخته‌شده‌ای است. به همین دلیل انتشار ترجمه‌ی کتاب تجربه توسعه آسیای شرقی؛ معجزه، بحران و آینده اقدام مثبتی بوده که از سوی خوانندگان ایرانی مورد استقبال واقع شده است. این کتاب ضمن بررسی دیدگاه‌های متفاوت در مورد علل توسعه‌ی موفقیت‌آمیز کشورهای شرق آسیا، به بررسی نقش دولت و اهمیت سیاست‌های حمایت از صنایع در اولویت در کشور کره می‌پردازد تا نشان دهد توسعه‌ی کره بر مبنای پذیرش سازوکار بازار آزاد نبوده، و کره با بهره‌گیری از ترکیب مناسبی از دولت و بازار به توسعه‌ی صنعتی دست یافته است. با توجه به این که در سه دهه‌ی اخیر مباحث فراوانی در مورد نقش دولت و بازار در فرایند توسعه و ضرورت پذیرش یا نفی دیدگاه نئولیبرالی ضرورت عدم مداخله‌ی دولت برای تحقق توسعه در ایران جریان داشته است، این کتاب، به دلیل بررسی اهمیت اعمال سیاست‌های صنعتی در توسعه‌ی کره، نقش دولت کارآمد در هدایت بخش خصوصی و تحقق موفقیت اقتصادی حائز اهمیت است.

در این مقاله پس از معرفی نویسنده، محتوای کتاب، براساس مقایسه‌ی دیدگاه نئوکلاسیک و دیدگاه اقتصاد نهادگرا در مطالعه‌ی تحولات اقتصادی کره بررسی خواهد شد و نقاط قوت و ضعف ترجمه‌ی فارسی آن ارائه خواهد شد. سپس به کارایی این کتاب برای پژوهشگران، کارشناسان و سیاست‌گزاران ایرانی خواهیم پرداخت و بر درس‌هایی اشاره خواهد شد که می‌توان از تجربه‌ی کشورهای آسیای شرقی آموخت.

۲. درباره نویسنده

هاجون چانگ (Ha Joon Chang) در سال ۱۹۶۳ در یک خانواده فرهیخته در سئول - کره جنوبی متولد شد. پدر او مدتی وزیر صنعت و برادرش تاریخدان و مدرس فلسفه‌ی علوم بود. هاجون چانگ پس از پایان دوره دبیرستان وارد دانشگاه ملی سئول شد؛ ولی برای ادامه‌ی تحصیل به انگلستان رفت و دکتری اقتصاد را در دانشگاه کمبریج در سال ۱۹۹۱ به پایان رساند. موضوع رساله‌ی دکتری او "اقتصاد سیاسی توسعه‌ی صنعتی با تاکید بر نقش دولت" بود. آثار چانگ در زمره‌ی مطالعات اقتصاد-سیاسی نهادگرا قرار دارد که فرایند تاریخ و عوامل اجتماعی - سیاسی را در مرکز تحولات اقتصادی قرار می‌دهد.

کتاب *انداختن نردبان*، که در سال ۲۰۰۲ منتشر شده، از مهم‌ترین آثار هاجون چانگ است. این کتاب در سال ۲۰۰۳، جایزه‌ی گونار میردال برای مطالعات اقتصاد سیاسی را نصیب او کرد. چنگ در این کتاب، با مرور شواهد گسترده‌ی تاریخی، نشان می‌دهد که کشورهای صنعتی در فرایند توسعه از سیاست‌هایی بهره گرفته‌اند که امروزه اعمال آن را برای کشورهای در حال توسعه ممنوع می‌کنند. در این کتاب عملکرد سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به دلیل مقابله با سیاست‌های حمایت از صنایع داخلی در کشورهای در حال توسعه، و انداختن نردبان به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. از دیگر کتاب‌های معروف چانگ "جهانی شدن، توسعه‌ی اقتصادی و نقش دولت (مجموعه مقالات)" در سال ۲۰۰۳ منتشر شده است. در سال ۲۰۰۵ هاجون چانگ برای مجموعه آثارش جایزه‌ی بسیار ارزشمند *واسیلی لئونتیف*^۱ به خاطر پیشبرد اندیشه اقتصادی را دریافت کرد.

چانگ پس از بحران مالی جهانی، به نقد جدی نئولیبرالیسم ادامه داد و آموزه‌های بانک جهانی در مورد حکمرانی خوب و ضرورت ایجاد نهادهایی مشابه نهادهای کشورهای صنعتی در کشورهای در حال توسعه برای غلبه بر عقب ماندگی را مردود دانست.^۲ چانگ در تمامی کتاب‌ها و مقالات خود بر ضرورت اعمال سیاست‌های صنعتی از سوی دولت و هدایت منابع مالی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به فعالیت‌های در اولویت تاکید کرده و سازوکار بازار آزاد برای ایجاد تحول ساختاری و دستیابی به توسعه را ناتوان معرفی کرده است.

برخی از آثار چانگ به زبان فارسی ترجمه شده است. "۲۳ نکته مکتوم سرمایه داری" در سال ۱۳۹۲، "نیکوکاران نابکار؛ افسانه‌ی تجارت آزاد و تاریخ پنهان سرمایه داری" در سال ۱۳۹۵، "انداختن نردبان" و "تجربه توسعه آسیای شرقی: معجزه، بحران و آینده" در سال ۱۳۹۸ منتشر شده و از سوی فارسی‌زبانان با استقبال خوبی مواجه گردیده است.

۳. درباره کتاب

ها جون چانگ کتاب "تجربه توسعه آسیای شرقی: معجزه، بحران و آینده" را پس از بحران آسیای شرقی نوشته است. به همین جهت در این کتاب علاوه بر بررسی علل توسعه‌ی موفقیت‌آمیز کشورهای آسیای شرقی به ریشه‌های شکل‌گیری و پیامدهای بحران مالی سال ۱۹۹۷ پرداخته و چشم‌اندازی برای آینده‌ی این کشورها ترسیم کرده است. این کتاب توسط لیلا سادات فاطمی نسب به فارسی ترجمه و در سال ۱۳۹۸ از سوی نشر ثالث منتشر شده است.

عملکرد فوق‌العاده برخی از کشورهای آسیای شرقی بعد از جنگ جهانی دوم نظیر ژاپن، کره جنوبی، تایوان و دو دولت شهر کوچک هنگ‌کنگ و سنگاپور منجر به آن گردید که از اواخر دهه نود میلادی تا کنون، تجربه‌ی این کشورها بطور ویژه مورد توجه محافل علمی قرار گیرد. بر این اساس مطالعات مختلف عوامل متفاوتی را به عنوان علل اصلی موفقیت این کشورها مطرح می‌کنند. به طور مثال بانک جهانی در سال ۱۹۹۳ کتابی تحت‌عنوان "معجزه‌ی آسیای شرقی" منتشر کرده که در آن سمت‌گیری صادراتی و پذیرش سازوکار بازار علت اصلی توسعه‌ی صنعتی کشورهای آسیای شرقی معرفی شده بود. این کتاب مباحثات بسیاری را برانگیخت. کتاب "تجربه توسعه آسیای شرقی" نوشته‌ی هاجون چانگ نیز تلاشی در جهت نشان دادن نادرستی تحلیل بانک جهانی از توسعه‌ی کشورهای آسیای شرقی است.

تمرکز اصلی هاجون چانگ در بررسی تجربه‌ی توسعه در منطقه آسیای شرقی بر تحولات اقتصادی کره‌ی جنوبی است؛ زیرا عملکرد اقتصادی دولت-شهرهای هنگ‌کنگ و سنگاپور به دلیل کوچک و کم‌جمعیت بودن، با کره و تایوان قابل مقایسه نیستند. چانگ در برخی مباحث کتاب به تجربه‌ی تایوان و ژاپن نیز اشاره می‌کند. یکی از هدف‌های اصلی کتاب تحلیل نقش دولت و سازوکار بازار در فرایند توسعه‌ی آسیای شرقی است. برخی

نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و بسیاری از اقتصاددانان پذیرش سازوکار بازار، آزاد سازی تجاری و حرکت به سوی توسعه صادرات و افزایش توان رقابتی بنگاه‌ها را عامل اصلی رشد و توسعه اقتصادی کشورهای تازه صنعتی شده‌ی شرق آسیا معرفی کرده‌اند. هاجون چانگ در کتاب "تجربه توسعه آسیای شرقی" تلاش می‌کند که با مرور شواهد تاریخی و بررسی‌های آماری نشان دهد که دولت نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات آسیای شرقی بر عهده داشته است. او معتقد است که توسعه‌ی صنعتی کشورهای آسیای شرقی بر مبنای مدلی بوده که در میانه‌ی دو سرطیف سازوکار بازار آزاد و اقتصاد برنامه ریزی شده قرار می‌گیرد.

چانگ تاکید می‌کند که موفقیت اقتصادی کره ناشی از پذیرش سازوکار بازار آزاد نبوده و مداخله‌ی گسترده‌ی دولت در حمایت و هدایت سرمایه‌گذاری صنعتی، اعمال سیاست‌های مختلف حمایتی، از جمله اعطای وام‌های ارزان به بنگاه‌های بزرگ خصوصی (چابول‌ها)، تأمین منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های در اولویت، اجرای سیاست‌های تجاری برای محدود ساختن واردات کالاهای رقیب تولیدات داخلی در مراحل اولیه رشد این صنایع، تشویق بخش خصوصی به صادرات کالاهای تولیدی، و هدایت بنگاه‌های خصوصی به سوی سرمایه‌گذاری در صنایع سرمایه‌بر و دانش بنیان و دستیابی به فناوری‌های نوین، نقشی کلیدی در تسریع آهنگ رشد و توسعه‌ی کره ایفا کرده و نشان داده که برخلاف دیدگاه اقتصاددانان جریان غالب، در توسعه‌ی کره اعمال سیاست‌های مناسب صنعتی، مالی، ارزی و تجاری تاثیر تعیین‌کننده‌ای در موفقیت اقتصادی این کشور داشته است.

چانگ معتقد است که از آغاز دهه‌ی ۱۹۹۰، با اجرای سیاست‌های آزاد سازی و مقررات‌زدایی، از نظارت دولت کره بر عملکرد نظام بانکی و بازار سرمایه کاسته شد. ورود سرمایه‌ی خارجی به بازار بورس و افزایش میزان تسهیلات اعتباری ریسک سیستماتیک در نظام بانکی و بازار سرمایه را به شدت افزایش داد و در سال ۱۹۹۷، کره به همراه دیگر کشورهای آسیای شرقی با بحران مالی بزرگی مواجه گردید. بنابراین برخلاف نظر نئولیبرال‌ها (به عنوان نمونه رجوع شود به مک‌کینون و فیل ۱۹۹۸) چانگ تاکید می‌کند که سیاست‌های صنعتی، رانت جویی ناشی از حمایت از صنایع نوپا و سرمایه‌داری رقابتی عامل بروز بحران مالی در کشورهای آسیای شرقی نبوده، بلکه بالعکس تاکید فزاینده بر

آزادسازی بازارهای مالی و حذف نظارت دولت بر ورود و خروج سرمایه، بحران مالی را به وجود آورده که بر کل اقتصاد این کشورها ضربه زده است. به همین جهت چانگ پیش‌بینی می‌کند که تداوم سیاست آزاد سازی کامل حساب سرمایه نادرست است و می‌تواند مانعی جدی بر سر راه رشد اقتصادی شرق آسیا ایجاد کند.^۳

۱.۳ دولت در مقابل بازار

مطالعات بسیاری در مورد علل موفقیت کشورهای آسیای شرقی صورت گرفته که می‌توان آن‌ها را به دو گروه تقسیم بندی کرد: گروه اول لیبرال‌ها و نئولیبرال‌هایی که بر کارایی نظام بازار تاکید کرده و خواستار حداقل شدن مداخلات دولت در فعالیت‌های اقتصادی هستند. این گروه توسعه‌ی اقتصادی موفقیت‌آمیز کشورهای آسیای شرقی را ناشی از اجرای سیاست‌ها و ایجاد نهادهایی می‌دانند که از مدل انگلوساکسونی اقتباس شده است (به‌طور مثال رجوع شود به هندرسون ۱۹۹۸ و فرانکل ۱۹۹۸). مدل انگلوساکسونی بر سازوکار بازار آزاد تاکید دارد. طرفداران این رویکرد بر این باورند که خریدار و فروشنده به دنبال حداکثر سازی منافع خود از طریق پیروی از سیگنال نظام قیمتی هستند؛ و سازوکار بازار عامل اصلی ثبات و شکوفایی اقتصاد است. به همین دلیل در این رویکرد بر افزایش فضای رقابتی در درون کشورها، آزاد سازی قیمت‌ها و عدم احلال در سازوکار قیمت، آزادسازی تجاری شامل کاهش تعرفه‌ها و حذف محدودیت‌های کمی، واقعی کردن نرخ ارز و نرخ بهره و عدم سرکوب مالی، و خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی تاکید می‌شود. بر اساس نسخه انگلوساکسونی نقش دولت در فرایند توسعه‌ی کشورهای آسیای شرقی حائز اهمیت نیست. اقتصاددانان لیبرال معتقدند که کشورهای آسیای شرقی تا زمانی که از صنایع جایگزین واردات حمایت می‌کردند، فقیر و عقب مانده بودند؛ و فقط زمانی در مسیر توسعه‌ی صنعتی حرکت کردند که محدودیت‌های تجاری را کنار گذاشتند و با تمرکز بر مزیت رقابتی به صادرات و رقابت در بازارهای جهانی روی آوردند (بانک جهانی ۱۹۹۳).

در مقابل، گروهی دیگر از اقتصاددانان بر این باورند که نظام سرمایه‌داری با وجود این‌که به مالکیت خصوصی، انگیزه‌ی کسب سود و سازوکار بازار متکی است، ولی تنها یک شکل ثابت و جهانشمول ندارد. نظام سرمایه‌داری دارای تنوع نهادی است و کشورها با

توجه به وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، جغرافیایی و ژئوپولیتیکی خود از شکل‌های مختلف نظام سرمایه‌داری بهره می‌گیرند و به نوآوری نهادی اقدام می‌کنند. در طول سه دهه اخیر، با مطرح شدن اقتصاد نهادگرایی جدید از اوایل دهه هشتاد میلادی، و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد از اوایل دهه ۱۹۹۰، تنوع نهادی و تفاوت در عملکرد نظام سرمایه‌داری در کشورهای مختلف جهان بیشتر مورد توجه قرار گرفته، و مباحثی نظیر نظام‌های مالی و حاکمیت شرکتی، به ویژه مدل ژاپنی و آلمانی در مقابل مدل آنگلوساکسون، روابط صنعتی شامل اتحادیه‌های اجتماعی اسکاندیناوی و نظام استخدام ژاپنی، و سیاست صنعتی، خصوصاً در ارتباط با تجربه‌ی آسیای شرقی مطرح شده است.

به طور کلی پیام مشترک گروه دوم آن است که پس از جنگ جهانی دوم، کشورهایایی که در زمینه‌ی انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری در دارایی‌های خاص، برنامه و سیاست‌های میان مدت و بلند مدتی طراحی کرده‌اند که مبتنی بر سازوکار بازار آزاد نبوده، موفق عمل کرده‌اند. هاجون چانگ از جمله اقتصاد دانانی است که در گروه دوم جای می‌گیرد. در کتاب "تجربه توسعه آسیای شرقی؛ معجزه، بحران و آینده" چانگ تلاش می‌کند که تنوع نهادی در نظام سرمایه‌داری را نشان دهد. او معتقد است که روش‌های متعددی برای سامان‌دهی تولید و توزیع در نظام سرمایه‌داری وجود دارد. در تمامی کشورهای جهان ترکیبی از برنامه‌ها و سیاست‌های دولت و نیروهای بازار در عملکرد اقتصادی نقش ایفا می‌کند. به طور مثال، دولت نظامی کره در دهه‌ی ۱۹۵۰ نظام سرمایه‌داری کنترل شده را در کشور حاکم کرد. بانک‌ها ملی شدند و بسیاری از صنایع از جمله صنایع نفت، ذغال سنگ، برق، فولاد و کود شیمیایی به مالکیت دولت درآمدند؛ درعین حال افزایش بهره‌وری برای بالا بردن توان رقابتی و حضور در بازارهای صادراتی مورد تاکید قرار گرفت.

کتاب تجربه توسعه آسیای شرقی از ۹ فصل تشکیل شده است. در این فصل‌ها الگوی توسعه‌ی کشورهای آسیای شرقی، به ویژه سیاست‌های صنعتی کره مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده که شرایط ابتدایی این کشور عامل موفقیت در تسریع آهنگ توسعه نبوده است. نیمه‌ی دوم کتاب به علل و پیامدهای بحران آسیای شرقی در اواخر دهه ۱۹۹۰ اختصاص یافته است. در این قسمت نشان داده شده که سیاست‌های صنعتی کره عامل بحران نبوده، بالعکس کاهش نظارت و کنترل دولت، به ویژه در بازارهای مالی، عامل بروز

این بحران بوده است. به باور چانگ، در فرایند توسعه‌ی کشورهای آسیای شرقی بازار و دولت مکمل یکدیگر بوده‌اند. در کتاب تجربه توسعه آسیای شرقی به نقش پررنگ مداخلات دولت در اقتصاد از طریق بکارگیری سیاست‌های صنعتی‌گزینشی تأکید شده است. طرفداران نسخه انگلوساکسونی که به مداخلات دولت به دیده شک می‌نگرند و آن را مردود می‌دانند، اجرای سیاست‌های صنعتی‌گزینشی، که براساس آن فقط بخش‌ها و یا حتی شرکت‌های خاصی توسط دولت مورد حمایت قرار می‌گیرند را در عمل سیاستی شکست خورده و ناموفق قلمداد می‌کنند، زیرا چنین سیاست‌هایی به اخلال در سیگنال‌های قیمتی بازار منجر می‌شود؛ اجرای آن از نظر فنی و مدیریتی دشوار است؛ و به رانت‌جویی گروه‌های ذی‌نفوذ، افزایش فساد و تخصیص غیربهبینه منابع می‌انجامد. این گروه از اقتصاددانان، به جای اجرای سیاست‌های صنعتی‌گزینشی، استفاده از نوع عمومی سیاست صنعتی مانند سرمایه‌گذاری در حوزه آموزش، حمایت از تحقیق و توسعه و سرمایه‌گذاری‌های زیر ساختی را توصیه می‌کنند.

در تایید سیاست صنعتی‌گزینشی، چانگ در کتاب تجربه توسعه آسیای شرقی تأکید می‌کند که سیاست‌های صنعتی‌گزینشی در آسیای شرقی با موفقیت کامل اجرا شده و در سایر کشورها نیز قابل پیاده سازی است. حتی بانک جهانی نیز امروزه بر این مهم صحه می‌گذارد که اجرای سیاست‌های صنعتی‌گزینشی به لحاظ نظری امکان‌پذیر و به لحاظ عملی در کشورهای آسیای شرقی غالباً موفق بوده است، اما در مورد پیاده سازی آن در سایر کشورهای در حال توسعه اظهار تردید می‌کند، زیرا معتقد است اجرای آن به لحاظ اداری بسیار سخت و نیازمند الزاماتی است (بانک جهانی ۱۹۹۳).

هاجون چانگ با طرح مباحثی نظیر صرفه‌های ناشی از مقیاس، کاهش هزینه‌های تولید و افزایش توان صادراتی بر ضرورت جلوگیری از رقابت بیش از حد، به ویژه در صنایع با فناوری‌های پیشرفته و دارای سرمایه‌های خاص، تأکید می‌کند. و صراحتاً به این موضوع اشاره می‌نماید که " برای افزایش مزیت رقابتی نمی‌توان کاملاً به سازوکار بازار اتکا کرد. دولت باید بخش‌های دارای پتانسیل بهره‌وری بالا را شناسایی کند و آن‌ها را به عنوان صنایع استراتژیک با چشم انداز روشن یا بخش‌های ارجح معرفی کند و تحت حمایت مالی، فنی و اداری قرار دهد" (صفحه ۱۰۱).

سیاست‌های صنعتی مناسب از سوی دولت کره برای تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در رشته‌های صنعتی در اولویت، هدایت منابع مالی به سوی فعالیت‌های مولد، و ایجاد محدودیت برای ورود و مصرف کالاهای لوکس اعمال شده است. دولت از صنایع نوپا، به صورت مشروط، محدود و زمان‌بندی شده حمایت کرده و با انواع سیاست‌های انگیزشی مانند وام‌های ارزان و معافیت‌های مالیاتی، بنگاه‌ها را برای صادرات تولیدات داخلی تشویق نموده است.

دولت کره برای حذف ماشین‌آلات قدیمی و نصب ماشین‌آلات جدید یارانه‌های سخاوتمندانه‌ای به بخش خصوصی اختصاص می‌داد، و در عین حال نظارت اکید بر نحوه استفاده از وام‌های اعطایی به بنگاه‌های تولیدی برای خریداری فناوری‌های پیشرفته اعمال می‌کرد. در کل، کمک به بنگاه‌ها موقتی بود؛ اگر بنگاهی قادر به نوسازی و افزایش بهره‌وری نبود، با فشار دولت منحل یا واگذار می‌شد. به علاوه، دولت کره بر عملکرد ماهانه صادرات نظارت دقیق داشت و نسبت به گزارش‌های ساختگی یا عدم ارائه گزارش‌های منظم از سوی بنگاه‌ها با جریمه و زندان شدیداً برخورد می‌کرد (ص ۱۰۷).

کشورهای شرق آسیا، به ویژه کره جنوبی، هدف ارتقای ساختار صنعتی از طریق به کارگیری سیاست‌های صنعتی‌گزینی را در اولویت قرار دادند. به طور مثال، کشور کره از اواخر دهه ۶۰ تا اواخر دهه ۸۰ میلادی، نرخ تورم متوسط بیست درصدی را تجربه کرد، ولی هیچ‌گاه مقابله با تورم از طریق افزایش نرخ بهره و کاهش تسهیلات را در مقایسه با توسعه‌ی صنایع نوپا در اولویت قرار نداد. تا اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰، دولت کره با اعمال تعرفه‌های بالا، واردات کالاهای لوکس را به شدت محدود کرده بود. نظارت شدید بر ورود و خروج سرمایه اعمال می‌شد. واگذاری تمامی ارز حاصل از صادرات به بانک مرکزی الزامی بود؛ و مجازات‌های شدید تا حد اعدام برای خروج غیرقانونی سرمایه از کشور اعمال می‌شد. به علاوه، دولت دقیقاً کنترل می‌کرد که وام‌ها و مشوق‌های ارزی و مالیاتی اعطا شده به بنگاه‌های بزرگ در جهت ارتقاء کیفی، افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های تولید در صنایع در اولویت به کار گرفته شود و به مسیرهای انحرافی وارد نشود. دولت کره با اجرای سیاست‌های مناسب بخش خصوصی این کشور را در نوسازی مداوم ساختار صنعتی، و حرکت از صنایع کاربر مانند پوشاک به سوی صنایع سرمایه‌بری چون فولاد و کشتی‌سازی تشویق و هدایت کرد.

به طور کلی چانگ در کتاب تجربه توسعه آسیای شرقی نشان می‌دهد که موفقیت اقتصادی کره ناشی از پذیرش سازوکار بازار آزاد نبوده و مداخله‌ی گسترده‌ی دولت در حمایت و هدایت سرمایه‌گذاری صنعتی، اعمال سیاست‌های مختلف حمایتی، از جمله اعطای وام‌های ارزان به بنگاه‌های بزرگ خصوصی (چابول‌ها)، و تشویق بخش خصوصی به صادرات کالاهای تولیدی، نقشی کلیدی در تسریع آهنگ رشد و توسعه‌ی کره ایفا کرده است. با توجه به ویژگی‌های نهادی و سیاست‌های حمایتی اعمال شده در کشورهای آسیای شرقی، که با استانداردهای مورد تاکید در نسخه انگلو ساکسونی متفاوت است، باور به وجود "مدل توسعه‌ی آسیای شرقی" توجیه پذیر و منطقی است. چانگ تاکید می‌کند که:

ایده اقتصاد نولیبرال بدون مقررات و بدون تباری - حتی اگر دست یافتنی هم باشد - در دنیایی که کنشگران آن ظرفیت محدودی برای پردازش اطلاعات دارند و در دنیایی که رشد بهره‌وری نیازمند سرمایه‌گذاری‌های خاص و یادگیری است، مطلوب نخواهد بود. اگر برنامه نولیبرال مقررات زدایی با هدف ساخت اقتصاد ملی انعطاف‌پذیر متناسب نباشد، ما باید تحقیق خود را برای برنامه‌ای جایگزین از سر بگیریم؛ برنامه‌ای که هم به لحاظ سیاسی واقع‌گرایانه است و هم از بعد نهادی غنی‌تر. چنین اقدامی - درمقابل - نیازمند بازاندیشی جدی در مورد هزینه و فایده رقابت و همکاری، رابطه اقتصاد و سیاست، نظریه تحول نهادی و نقش دولت در آن خواهد بود و در این راه تجربه آسیای شرقی ابزار تند و آتشینی را برای این بازاندیشی فراهم می‌کند (صفحه ۱۶۵).

۲.۳ شرایط ابتدایی کشورهای آسیای شرقی

برخی از اقتصاددانان نولیبرال معتقدند که موفقیت کشورهای آسیای شرقی ناشی از شرایط ممتاز اولیه‌ی این کشورها بوده و به همین دلیل نسخه برداری از الگوی توسعه‌ی آسیای شرقی برای دیگر کشورهای درحال توسعه ممکن نیست. هاجون چانگ با تکیه بر شواهد تاریخی نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی و سطح سواد مردم کره و هنگ کنگ حتی در دهه ۱۹۵۰، بسیار بدتر از برخی کشورهای افریقایی و آمریکای لاتین بوده؛ و کشورهای

آسیای شرقی از نظر سرمایه‌ی انسانی مزیتی بر دیگر کشورهای در حال توسعه در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین نداشته‌اند.

در سال ۱۹۴۵، ۲۲ درصد از جمعیت کره باسواد بودند، این نرخ برای فیلیپین حدود ۶۰ درصد بود. در آن زمان تصور نمی‌شد که کره بتواند سریع‌تر از فیلیپین توسعه پیدا کند. با رشد صنعتی، تقاضا برای نیروی کار با سواد و تحصیل‌کرده افزایش یافت و امکانات آموزشی به سرعت در سراسر کره گسترش پیدا کرد به نحوی که در دهه‌ی ۱۹۶۰ نرخ با سوادی در این کشور به بالای ۷۰ درصد رسید؛ و نرخ ثبت نام در مدارس کره از فیلیپین پیشی گرفت.

کشورهای آسیای شرقی از منابع طبیعی بهره‌ی چندانی ندارند. منبع تامین ارز این کشورها تا دهه‌ی ۱۹۵۰ عموماً صادرات محصولات کشاورزی بوده است. ضعف بنیه‌ی اقتصادی با عدم امکان سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها همراه بوده است. به نحوی که کره و تایوان تا پایان دهه‌ی ۱۹۵۰ از نظر خطوط تلفن و راه آهن از کشورهای جنوب صحرای آفریقا نیز فقیرتر بوده‌اند. به طور مثال در سال ۱۹۵۸ میزان تولید صنعتی سرانه در کره و تایوان به ترتیب ۲۰ و ۱۸ دلار بوده که با تولید صنعتی سرانه زیمبابوه در همان سال (۳۶ دلار) بسیار فاصله دارد. تا پایان دهه‌ی ۱۹۵۰ بخش صنعتی بسیاری از کشورهای آفریقایی از جمله کنگو و غنا، بزرگ‌تر از کره و تایوان بوده است.

بعد از پایان جنگ دو کره در سال ۱۹۵۴، وضعیت اقتصادی به تدریج رو به بهبود گذاشته و از دهه‌ی ۱۹۶۰ به بعد، با تکیه بر صادرات، اقتصاد کره به سرعت رشد کرده است. آغاز جنگ سرد، پس از جنگ جهانی دوم، سبب حمایت جدی امریکا از همسایگان کشورهای سوسیالیستی گردید. در دهه‌ی ۱۹۵۰، کره‌ی جنوبی در کنار کره شمالی و تایوان در مرز چین، و در اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ چین در مقابله با اتحاد شوروی و ویتنام، از حمایت سخاوتمندانه‌ی امریکا سود بردند. بعد از جنگ جهانی دوم، تایوان کشوری به شدت فقیر بود؛ و جنگ میان دو کره در فاصله‌ی سال‌های ۵۳-۱۹۵۱، به تخریب زیرساخت‌ها و ویرانی کره‌ی جنوبی منجر شده بود. کمک‌های مالی و نظامی امریکا به کره و تایوان در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ چشمگیر بود. با وجود این، کمک‌های خارجی تنها عامل توسعه‌ی صنعتی کشورهای آسیای شرقی نبوده است. بسیاری دیگر از کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، نیز از کمک‌های سخاوتمندانه خارجی

بهره‌مند بوده‌اند ولی به توسعه دست نیافته‌اند. شواهد تجربی نشان می‌دهد که شرایط داخلی، و مجموعه سیاست‌ها و اقدامات انجام شده از سوی دولت‌ها نقش اصلی در موفقیت یا شکست برنامه‌های توسعه اقتصادی دارد و دریافت کمک‌های خارجی نمی‌تواند دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی را تضمین کند.^۵

۳.۳ علل و ریشه‌های بحران اقتصادی آسیای شرقی در سال ۱۹۹۷

با بروز بحران در بازارهای مالی در سال ۱۹۹۷ که به سرعت به بخش واقعی اقتصاد کشورهای آسیای شرقی سرایت کرد، بسیاری از کارشناسان در جستجوی علل این بحران، به نقاط ضعف ناشی از مداخله‌ی دولت در اقتصاد این کشورها برای حمایت از صنایع داخلی، از جمله حامی پروری و فساد در اعطای تسهیلات، و ریسک بالای مخاطرات اخلاقی در بازار سرمایه‌ی این کشورها تاکید کردند (مک‌کینون و پیل ۱۹۹۸؛ فرانکل ۱۹۹۸). در مقابل هاجون چانگ معتقد است که علت اصلی سقوط اقتصاد کره در سال ۱۹۹۷، اجرای سیاست‌های نئولیبرالی، حذف مقررات مربوط به نظارت و کنترل دولتی بر نحوه‌ی تخصیص تسهیلات بانکی، آزادسازی اقتصادی و کنار گذاشتن سیاست‌های صنعتی از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ بوده است (چانگ ۱۹۹۴).

تا سال ۱۹۸۶ کره با کسری در تراز تجارت خارجی مواجه بود و به همین جهت نحوه استفاده از ارز، از جمله خروج ارز از کشور برای واردات یا سفرهای خارجی، به شدت کنترل می‌شد. رشد چشمگیر صادرات و بروز مازاد در تجارت خارجی سبب کاهش کنترل‌های دولت و آزادسازی حساب سرمایه گردید. تصمیم دولت کره برای عضویت در گروه کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) فشار بر دولت کره برای آزادسازی بازارهای مالی را بیشتر کرد. طی سال‌های ۹۷-۱۹۹۳ میزان بدهی خارجی کره بیش از سه برابر شد و از ۴۴ میلیارد دلار به ۱۲۰ میلیارد دلار رسید. در حالی که سرمایه‌گذاری در خرید اوراق بهادار جایگزین سرمایه‌گذاری‌های صنعتی شده و در بازار بورس حباب ایجاد کرده بود. بخش بزرگی از بدهی‌های خارجی بنگاه‌ها و وام‌های کوتاه‌مدت بود که با بروز بحران و کاهش توان مالی شرکت‌ها، عدم امکان بازپرداخت بدهی ضربه‌ی سنگینی بر اقتصاد کره وارد آورد و بزرگ‌ترین رکود از زمان جنگ کره رقم خورد. دولت کره برای رفع بحران و ایجاد تحرک در اقتصاد به صندوق بین‌المللی پول

(International Monetary Fund - IMF) متوسل شد؛ و مجبور به پذیرش شرایط بسیار سخت‌گیرانه‌ی IMF برای انجام تغییرات نهادی گسترده در نحوه‌ی اداره‌ی شرکت‌ها و نظام مالی شد. سیاست‌های پولی حامی سرمایه‌گذاری و رشد به کنار گذاشته شد و بر حفظ منافع بخش مالی به قیمت بی‌توجهی به ضرورت دفاع از منافع صنعتی تاکید شد.

هاجون چانگ از تسلط سازوکار بازار آزاد و حذف نظارت‌های دولت در عرصه‌های مختلف توسعه‌ی صنعتی و تجارت خارجی کره اظهار نگرانی می‌کند و معتقد است که پذیرش نیروهای مسلط بازار در اقتصاد کره به قدرت گرفتن هرچه بیشتر بخش مالی و افزایش نابرابری در این کشور منجر خواهد شد و در بلندمدت بر رشد سرمایه‌گذاری و عملکرد اقتصادی کره تاثیر منفی خواهد گذاشت. بنابراین دولت کره باید راهکارهای مناسبی اعمال کند تا هم‌زمان با مدیریت ریسک در بازارهای مالی، بخش خصوصی را به رشد سرمایه‌گذاری ترغیب کند.

چانگ در کتاب تجربه توسعه آسیای شرقی نظریه نئوکلاسیک انسان عقلایی و عملکرد بهینه اقتصادی در غیاب مداخلات دولت را، با بابه‌گیری از مکتب اقتصاد نهادگرای جدید، به نقد می‌کشد و تاکید می‌کند که هیچ نظام پیچیده‌ای، بدون اعمال برخی محدودیت‌ها نمی‌تواند به طور کارآمد عمل کند. تلاش هدفمند برای ایجاد نهادهای جدید و بهبود نهادهای موجود، در مواردی به شکست می‌انجامد و پیامدهای مخربی به دنبال دارد؛ ولی در جهانی متشکل از کنشگران دارای عقلانیت محدود، ایجاد هماهنگی میان بنگاه‌های اقتصادی و گاه محدود کردن انتخاب‌های آنان می‌تواند به نتایج کارآمدتری منجر شود.

در تمامی اقتصادهای مدرن توزیع ریسک سرمایه‌گذاری‌های خاص و تامین محیطی پایدار برای یادگیری به نهادهای متعددی نیاز دارد. اقتصاددانان نئولیبرال وجود این نهادها را موانعی برای عملکرد بازار آزاد می‌دانند؛ اما تجربه‌ی کشورهای شرق آسیا نشان می‌دهد که محدودیت‌های نهادی اعمال شده از طریق سیاست‌های صنعتی، و حمایت از صنایع در اولویت به صورت مشروط و زمان‌بندی شده، می‌تواند به افزایش توانمندی بخش خصوصی در بلندمدت یاری رساند.

هاجون چانگ (۲۰۰۷ و ۲۰۱۱) به تشریح تعامل دوجانبه‌ی میان توسعه‌ی اقتصادی و تحولات نهادی می‌پردازد و تصریح می‌کند که نظام سرمایه‌داری دارای تنوع نهادی است؛ و

تفاوت در شکل و ماهیت نهادها در توازن قدرت سیاسی، ایدئولوژی، و فناوری‌های تولیدی هر کشور ریشه دارد. او تحولات نهادی را ضرورتاً پیش شرط توسعه اقتصادی نمی‌داند و معتقد است که با اجرای برنامه‌های توسعه‌ی صنعتی به طور خودکار و به تدریج نهادهای مناسب، از جمله دولت کارآمد و جامعه‌ی مدنی قوی ناظر بر عملکرد دولت، شکل می‌گیرند که به نوبه‌ی خود عامل تسریع و تسهیل توسعه‌ی اقتصادی می‌شوند. به همین جهت چانگ بر ضرورت تلاش هم‌زمان در جهت تحول نهادی و توسعه اقتصادی تأکید می‌کند.

۴. کیفیت ترجمه کتاب

لیلا سادات فاطمی نسب با ترجمه‌ی کتاب هاجون چانگ و ارائه‌ی دیدگاه انتقادی او نسبت به کارایی سازوکار بازار و نفی ضرورت مداخله‌ی دولت در فعالیت‌های اقتصادی، ذهن دانشجویان و مدرسین اقتصاد و دیگر رشته‌های علوم انسانی را به نقد پارادایم مسلط نئولیبرالی جلب می‌کند که در بسیاری از دانشگاه‌ها بدون برخوردی انتقادی عرضه می‌شود. این کتاب با بررسی نقش دولت و سیاست‌های صنعتی حامی صنایع نوپا و مطالعه‌ی چگونگی ورود این صنایع به بازارهای بین‌المللی ذهن پرسشگر خواننده ایرانی را به بررسی تفاوت‌های میان فرایند توسعه‌ی ایران و کشورهای آسیای شرقی، به ویژه کره، هدایت می‌کند.

فاطمی نسب تلاش کرده با دقت و وفاداری به اصل متن کتاب ترجمه‌ی روانی به فارسی ارائه دهد و تا حد زیادی موفق شده است. مشکل در ترجمه ناشی از عدم آشنایی با برخی کلمات تخصصی اقتصادی و معادل‌های فارسی رایج است که در برخی قسمت‌ها درک مطلب را دشوار می‌کند. به طور مثال در ص ۵۹، انتهای پاراگراف اول آمده است:

حکومت‌ها با هدف کاهش "ضایعات" ناشی از رقابت بیش از اندازه (اضافی) به سازماندهی کارتل‌های رکود (به طور ضمنی یا آشکار) یا حتی برنامه‌های اجباری ادغام یا تسهیم بازار روی آورده‌اند.

درک مفهوم جمله‌ی فوق برای خواننده‌ی فارسی ممکن نیست. با توجه به متن اصلی کتاب می‌توان جمله را به صورت زیر به فارسی ترجمه کرد:

دولت‌ها برای جلوگیری از اتلاف منابع در اثر رقابت بیش از حد، و ساماندهی بنگاه‌های بزرگ انحصاری گرفتار رکود، برای کاهش ظرفیت‌های مازاد در صنایع مذاکره کرده و شرکت‌های بزرگ را مجبور کرده اند که در هم ادغام شوند یا برنامه‌های تعیین سهم در بازار را بپذیرند.

ملاحظه می‌شود که بخشی از جمله "برای کاهش ظرفیت‌های مازاد در صنایع مذاکره کرده" در ترجمه فاطمی نسب حذف شده و مفهوم بنگاه‌های گرفتار رکود با استفاده از "کارتل‌های رکود" به خواننده منتقل نمی‌شود زیرا چنین اصطلاحی در متون اقتصادی به زبان فارسی وجود ندارد.

برخی از اصطلاحات در زبان فارسی متون اقتصادی کاملاً شناخته شده هستند. مانند آزاد گذاری به جای اصطلاحات رایج مقررات زدایی و آزاد سازی، یا مثل صادرات کالاهای اولیه که منظور صادرات مواد معدنی و محصولات کشاورزی است. در فصل ۴ ص ۱۸۴ پاراگراف دوم آمده است:

سابقاً - یعنی قبل از دهه شصت - نخستین صادر کنندگان کالا به شمار می آمدند. این جمله با استدلال‌های قبلی کاملاً در تضاد است و علت آن اشتباه در ترجمه می‌باشد. ترجمه‌ی صحیح به این صورت است:

سابقاً - یعنی قبل از دهه شصت - صادر کننده‌ی محصولات اولیه (کشاورزی) به شمار می آمدند.

در ص ۱۱۵ خط اول، پاراگراف اول آمده است: معمولاً بر مبنای حدس و گمان یا "خوی حیوانی" پیش می‌روند. اصطلاح "خوی حیوانی" در فارسی به معنای خشونت و بی‌رحمی است در حالی که اصطلاح معروف "روح حیوانی" (animal spirit) که توسط کینز مطرح شده در ادبیات اقتصادی، از جمله متون اقتصادی به زبان فارسی، کاملاً شناخته شده است و به معنای غریزه‌ی پیش‌بینی وقوع اتفاقات خوب یا بد می‌باشد.

متأسفانه از این دست اشتباهات در متن کم نیست. به طور مثال اصطلاح "مالیه مدار" در زبان فارسی متون اقتصادی رایج نیست و مشخص نیست که مترجم این عبارت را به جای چه کلمات انگلیسی به کار برده است. در زیر نویس هم کلمات انگلیسی جهت راهنمایی خواننده برای درک بهتر مطلب و رفع ابهام احتمالی ارائه نشده است. بدون تردید برای ترجمه‌ی صحیح یک متن تخصصی دانش کافی از آن علم نقش مهمی ایفا می‌کند. بنابراین

متون تخصصی هر رشته باید توسط کارشناسان همان رشته ترجمه شود یا حداقل متن ترجمه شده توسط فردی آگاه از دانش و اصطلاحات تخصصی خاص هر رشته ویرایش علمی اثر را برعهده بگیرد.

۵. ارزیابی کارایی کتاب

"معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی" کتاب خوبی برای پاسخ دادن به سئوالات فراوان کارشناسان و دانشجویان رشته‌های مختلف علوم انسانی درمورد علل موفقیت و عدم موفقیت در دستیابی به توسعه در کشورهای مختلف جهان است. با آنکه با توسعه چشمگیر صنعت حمل‌ونقل، فناوری اطلاعات، و انقلاب اینترنتی، جریان حرکت سرمایه، تکنولوژی، ایده و نیروی انسانی در جهان تسهیل شده و باعث پیشرفت و توسعه برخی کشورها گردیده است، ولی بسیاری از کشورهای جهان همچنان با رشد پائین و فرصت‌های محدود برای پیشرفت دست‌به‌گریبانند. پس از جنگ جهانی دوم، شمار اندکی از کشورهای جهان، از جمله کره، تایوان، سنگاپور، هنگ‌کنگ و چین، با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، به توسعه‌ی صنعتی دست یافته‌اند.

هاجون چانگ در کتاب تجربه توسعه آسیای شرقی تاکید دارد که نظریات نئولیبرالی در مورد کارایی نظام بازار برای ثروتمند کردن ملت‌ها و ضرورت عدم مداخله‌ی دولت در اقتصاد با تحولات اقتصادی کشورهای آسیای شرقی سازگار نیست. هرچند کشورهای این منطقه با پذیرش رویکرد صادرات محور در جهت رقابت در بازارهای جهانی حرکت کرده‌اند ولی دستیابی به موفقیت‌های چشمگیر اقتصادی بدون وجود دولتی مقتدر و توسعه‌گرا ممکن نبوده است. در واقع بین دولت و بازار تقابلی وجود ندارد؛ و دولت کارآمد، مکمل سازوکار بازار است. دولت توسعه‌گرا دولتی است که مشروعیت سیاسی خود را از توسعه‌ی اقتصادی کسب می‌کند و تلاش دارد توسعه‌ی اقتصادی را از طریق سیاست‌های صنعتی‌گزینشی، و حمایت از بخش‌های خاص محقق سازد. ویژگی برجسته کشورهای آسیای شرقی، رابطه‌ی نزدیک میان بخش عمومی و بخش خصوصی، تعهد نسبت به هدف مشترک توسعه‌ی صنعتی بوده است (برادفورد ۱۹۹۴).

کشورهای در حال توسعه، براساس سازوکار بازار قادر به تاسیس صنایع جدید و ایجاد تحول در ساختارهای اقتصادی خود نیستند. این کشورها برای فرار از تله‌ی فقر و

عقب‌ماندگی ناگزیرند که اصل مزیت نسبی رقابتی را نقض کنند و در فضای رقابت جهانی به ایجاد و حمایت از صنایع جدید و نوپا در داخل کشور اقدام نمایند. ولی حمایت بی‌قید و شرط و طولانی‌مدت از صنایع داخلی، به شکل‌گیری گروه‌های لابی قدرتمندی منجر می‌شود که با اعمال فشار سیاسی همواره خواستار تمدید حمایت‌های دولتی هستند.

در کتاب تجربه توسعه آسیای شرقی نشان داده شده که این کشورها، مانند دیگر کشورهای در حال توسعه، در دهه ۱۹۵۰ با اعمال استراتژی جایگزینی واردات، در وهله اول به تولید کالاهای مصرفی برای تامین نیاز بازارهای داخلی اقدام کردند. از اواخر دهه ۱۹۵۰، به تدریج قدرت رقابتی تولیدات داخلی را افزایش داده و کالاهای صنعتی خود را به بازارهای جهانی عرضه نمودند. در مراحل بعدی، تولید کالاهای صنعتی پیچیده و پیشرفته در داخل کشور مورد حمایت دولت قرار گرفت و این کشورها توانستند به تنوع تولید صنعتی دست یابند و در حرکت به سوی بازارهای صادراتی موفقیت بزرگی کسب نمایند. ترکیبی از استراتژی‌های جایگزینی واردات و توسعه صادرات عامل موفقیت این کشورها در فرایند توسعه‌ی صنعتی بود.

در مورد تفاوت میان صنایع جایگزینی واردات، از جمله تولید خودرو، میان ایران و کره مطالعات بسیاری انجام شده است؛ این کتاب اهمیت استمرار و کارایی سیاست‌های صنعتی و ملاک‌های مشخص برای حمایت از صنایع نوپا و هدایت صنایع برای رقابت در بازارهای بین‌المللی را در موفقیت صنایع کره به خوبی نشان می‌دهد. در حالی که ایران برای تامین ارز مورد نیاز صنایع جایگزین واردات به درآمدهای نفتی تکیه کرده، کره به صادرات صنعتی روی آورده، و به همین جهت در طول زمان، در رقابت با دیگر کشورها، کیفیت تولیدات داخلی افزایش و هزینه‌های تولید کاهش یافته است. جدول ۱، مقایسه‌ی اجمالی سیاست‌های موثر بر توسعه‌ی صنعتی در کره و ایران را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مقایسه‌ی اجمالی سیاست‌های موثر بر توسعه صنعتی در ایران و کره

منبع: یافته‌های محقق.

ایران	کره	
فقدان نظارت موثر بر نحوه‌ی استفاده بنگاه‌ها از وام؛ دریافت وام به بهانه سرمایه‌گذاری مولد و استفاده در	نظارت موثر بر استفاده از وام اعطایی به بخش خصوصی برای طرح‌های در اولویت	تامین مالی بنگاه‌های خصوصی

فعالیت‌های غیرمولد و سود آور		
تقویت ارزش واقعی ریال به دلیل عدم تعدیل ریال با تورم	تضعیف ارزش وون کره در مقابل دلار در مراحل اولیه صنعتی	سیاست ارزی
اعمال سیاست درهای باز برای جلوگیری از تورم در دوران رونق نفتی ایجاد مانع برای صادرات با تقویت ارزش واقعی ریال و عدم اجرای سیاست‌های تشویقی موثر	اعمال سیاست محدودیت واردات کالاهای رقیب تولید صنایع نوپا تشویق صادرات از طریق تضعیف ارزش پول ملی و اعطای وام‌های ارزان	سیاست تجاری
حمایت مالی از تمامی صنایع بزرگ داخلی به دلیل فقدان استراتژی توسعه صنعتی مشخص	حمایت از صنایع در اولویت براساس استراتژی توسعه صنعتی	سیاست صنعتی
تنش در روابط بین‌المللی عامل منفی برای صادرات کالاهای تولیدی ایران و مانع واردات ماشین‌آلات و تجهیزات پیشرفته برای نوسازی صنعتی	روابط سیاسی باثبات عامل دسترسی به بازارهای جهانی برای صادرات کالاهای صنعتی و واردات تکنولوژی‌های پیشرفته	روابط بین‌المللی

ضرورت تحولات فرهنگی برای دستیابی به توسعه از مسائل مهمی است که در دو دهه‌ی اخیر بسیار مورد بحث قرار گرفته و مقالات فراوانی پیرامون آن منتشر شده است.^۷ هاجون چانگ معتقد است که تحولات فرهنگی عموماً تحت تاثیر فرایند توسعه روی می‌دهد (چانگ ۲۰۱۱). او در کتاب تجربه توسعه آسیای شرقی نیز به تفصیل توضیح می‌دهد که در آغاز دهه‌ی ۱۹۵۰ کره فقیرتر از بسیاری از کشورهای آفریقایی بوده و سطح سواد مردم به شدت پایین بوده است. او با مرور شواهد تاریخی نشان می‌دهد که تحولات فرهنگی پیش شرط توسعه‌ی صنعتی نیست. او چند سال بعد در کتاب انداختن نردبان به تفصیل این مسئله را مورد بررسی قرار می‌دهد و تصریح می‌کند که کشورهای صنعتی و پیشرفته در فرایند توسعه بسیاری از نهادهای علمی و فرهنگی مفید را ایجاد کرده‌اند.

چانگ با مجموعه سیاست‌های نئولیبرالی از جمله مقررات زدایی از بازارهای مالی و آزاد سازی تجاری به عنوان موانع توسعه‌ی کشورهای فقیر مخالف است (چانگ ۲۰۰۲). این دیدگاه که مداخله‌ی دولت در اقتصاد ایجاد اخلال می‌کند و خصوصی سازی، آزادسازی و مقررات زدایی عامل رشد و توسعه‌ی اقتصادی است با واقعیت انطباق ندارد. دستاوردهای تحسین برانگیز کشورهای شرق آسیا نشان می‌دهد که دولت کارآمد عامل ایجاد تحرک دربخش خصوصی است. مشکل کشورهای درحال توسعه حضور پررنگ یا

کم رنگ دولت در اقتصاد نیست. مقررات زدایی و آزاد سازی فعالیت بخش خصوصی در شرایط وجود دولت ناکارآمد نتیجه‌ی موفقیت‌آمیزی در پی ندارد. این کشورها برای کاهش شکاف با کشورهای صنعتی جهان به دولتی توسعه‌گرا نیازمندند.

چانگ در کتاب تجربه توسعه آسیای شرقی تاکید می‌کند که کشورهای آسیای شرقی، با اعمال سیاست‌هایی مانند کنترل واردات و جلوگیری از رشد مصرف کالاهای لوکس، و نظارت شدید بر ورود و خروج سرمایه، منابع محدود ارزی را در جهت توسعه‌ی صنعتی مورد استفاده قرار دادند. دولت بانک‌ها را موظف می‌کرد که به صنایع در اولویت تسهیلات سخاوتمندانه‌ای اعطا کنند؛ اما به شدت نظارت می‌کرد که این وام‌ها به مسیرهای انحرافی وارد نشود و به افزایش بهره‌وری در صنایع مورد نظر منجر گردد. درست به عکس حامیان سیاست‌های نئولیبرالی چانگ معتقد است که فاصله گرفتن از سیاست‌های صنعتی و آزادسازی بازارهای مالی، به بحران سال ۱۹۹۷ انجامید.

این کتاب برای تفکر دقیق و انتقادی در مورد سیاست‌های صنعتی ایران بسیار سودمند است. در آغاز دهه‌ی ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) تولید سرانه‌ی ایران بیش از دو برابر تایوان و بیش از ده برابر چین بوده است. در همین سال تولید سرانه‌ی کره نیز از ایران بسیار پائین‌تر بوده است (بانک جهانی ۲۰۲۰). ۴ دهه‌ی گذشته، تایوان و کره از تله‌ی فقر‌هایی یافته و به گروه کشورهای تازه صنعتی شده با درآمد متوسط رو به بالا پیوسته‌اند. اقتصاد چین جهش تحسین برانگیزی را تجربه کرده و به بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده‌ی کالاهای صنعتی و دومین اقتصاد جهان تبدیل شده و پیش‌بینی می‌شود که پیش از سال ۲۰۳۰ در جایگاه اولین اقتصاد جهان قرار گیرد. در مقابل جایگاه ایران در اقتصاد جهانی طی این دوره به نحو چشمگیری افول کرده است. تفاوت فزاینده میان عملکرد اقتصادی درخشان کشورهای آسیای شرقی و عملکرد ضعیف اقتصادی ایران سبب گردیده که در سال ۲۰۱۹ تولید سرانه کره و تایوان به ترتیب به بیش از ۴ و ۳ برابر تولید ایران افزایش یافته؛ و باوجود بیش از هزار میلیارد دلار درآمد نفتی^۱، تولید و درآمد سرانه ایران از کشورهای تازه صنعتی شده‌ی آسیای شرقی بسیار فاصله گرفته است (جدول ۲).

با گذشت بیش از ۷ دهه از شکل‌گیری صنایع نوپا در ایران، از جمله صنعت خودروسازی، بازننگری در سیاست‌های ناموفقی که به افزایش شکاف فناوری و فاصله گرفتن تولیدات داخلی از بازارهای رقابتی منجر شده، بیش از پیش ضرورت

یافته است. به علاوه، با کاهش چشمگیر قیمت جهانی نفت و کاهش تقاضا برای نفت در بازارهای جهانی، به نظر می‌رسد که در سال‌های آینده، حتی به فرض لغو تحریم‌های بین‌المللی، ایران قادر به تامین نیازهای ارزی از طریق درآمدهای نفتی نخواهد بود. بنابراین باید از تجربه‌ی کشورهای آسیای شرقی درس گرفت و با اعمال سیاست‌های مناسب صنایع ایران را به سوی کسب جایگاهی شایسته در بازارهای جهانی هدایت کرد.

جدول ۲. نسبت تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای آسیای شرقی نسبت به امریکا و ایران (درصد)
منبع: محاسبات محقق با استفاده از آمار بانک جهانی ۲۰۲۰.

۲۰۱۸	۲۰۱۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰	۱۹۶۰	
کره							
۵۱.۳	۴۷.۶	۳۴.۴	۲۳.۵	۱۲.۸	۷.۷	۵.۳	نسبت به امریکا
۴۳۷.۲	۳۴۹.۸	۳۲۰	۲۰۵.۴	۷۶.۸	۲۵.۵	۳۱.۲	نسبت به ایران
تایوان							
۴۵.۶	۳۹.۷	۳۳.۴	۲۲.۷	۸.۳	۱.۷	۰.۹	نسبت به امریکا
۳۸۸.۲	۲۹۲.۱	۳۱۰.۲	۱۹۸.۷	۴۹.۸	۵.۶	۵.۴	نسبت به ایران
سنگاپور							
۱۰۷.۷	۹۷.۴	۷۵.۶	۶۲.۵	۴۷.۳	۲۹.۲	۱۹.۹	نسبت به امریکا
۹۱۷.۲	۷۱۵.۷	۷۰۲.۸	۵۴۵.۸	۲۸۲.۵	۹۶.۸	۱۱۷.۶	نسبت به ایران
هنگ کنگ							
۷۰.۵	۶۷.۱	۵۱.۴	۵۰.۶	۳۷.۵	۲۴.۹	-	نسبت به امریکا
۶۰۰.۹	۴۹۳.۲	۴۷۷.۸	۴۴۱.۴	۲۲۳.۹	۸۲.۶	-	نسبت به ایران
چین							
۱۴.۲	۹.۴	۴	۲	۱.۲	۱	۱.۱	نسبت به امریکا
۱۲۱.۲	۶۸.۹	۳۶.۷	۱۷.۶	۷.۲	۳.۳	۶.۴	نسبت به ایران

۶. نتیجه‌گیری

توسعه کوششی آگاهانه در جهت بسیج منابع برای رشد هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال، و ارتقا سطح رفاه مردم است. در این حرکت آگاهانه، دولت به‌عنوان راهنما، محرک، تسهیل‌گر و تنظیم‌کننده نقشی اساسی برعهده دارد. کتاب "تجربه توسعه آسیای شرقی؛ معجزه، بحران و آینده" نسخه‌ی مفیدی از مجموعه برنامه‌ها و سیاست‌های مناسب

برای تحقق توسعه‌ی صنعتی ارائه می‌کند. هر چند هر کشور ویژگی‌های تاریخی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خاص خود را دارد، و نسخه‌برداری کامل از دیگر کشورها لزوماً دست‌یابی به موفقیت در دیگر کشورها را تضمین نمی‌کند، ولی درس گرفتن از توسعه‌ی آسیای شرقی امکان‌پذیر است.

هاجون چانگ در کتاب "تجربه توسعه آسیای شرقی" نشان می‌دهد که کشورهای آسیای شرقی در فرایند توسعه‌ی صنعتی بر حمایت محدود و مشروط از صنایع نوپا تأکید داشته و صنایع را به صادرات ترغیب کرده‌اند؛ و کسب توان صادراتی ملاک اصلی برای تداوم حمایت از بنگاه‌های صنعتی، به‌طورمثال دسترسی به وام‌های ارزان، بوده‌است. به سخنی دیگر طراحی و اجرای سیاست‌های مناسب، در جهت حمایت مشروط از صنایع داخلی و اجبار آن‌ها به سمتگیری صادراتی، در زمانی نسبتاً کوتاه، بر اساس تفاهم، همکاری و هماهنگی میان دولت و بخش خصوصی شرط لازم برای دست‌یابی به توسعه‌ی صنعتی بوده است.

بخش خصوصی در کشورهای آسیای شرقی، در واکنش به مشوق‌ها و حمایت‌های دولتی، و با بهره‌گیری از تجارت بین‌المللی و انتقال فناوری‌های نوین در وهله‌ی اول صنایع جایگزین واردات را شکل داده و هم‌زمان برای صادرات کالاهای صنعتی تولید شده در داخل تلاش کرده است. در مراحل بعد دولت بخش خصوصی را به سرمایه‌گذاری در صنایع سرمایه‌بر و دانش بنیان هدایت کرده است. بدین ترتیب سیاست‌های صنعتی در حمایت‌گزینی از رسته‌های در اولویت به تنوع تولید و صادرات صنعتی در این کشورها منجر شده است. بدین ترتیب کشورهای آسیای شرقی که در اوایل دهه‌ی ۱۹۵۰ از بسیاری کشورهای آفریقایی فقیرتر بودند، به سرعت پیشرفت کردند و فاصله‌ی خود با کشورهای صنعتی را به شدت کاهش دادند. بدون تردید دولت‌های توسعه‌گرا نقش بسیار مهمی در هدایت بخش خصوصی، ایجاد تحولات ساختاری، و تسریع آهنگ رشد اقتصادی ایفا کرده است. ایران می‌تواند درس‌های ارزشمندی از فرایند توسعه‌ی کشورهای آسیای شرقی فراگیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. بسیاری از برندگان جایزه‌ی لئوتیف کاندیدای دریافت جایزه‌ی نوبل اقتصاد بوده‌اند و برخی از آن‌ها، از جمله آمارتیا سن، جایزه‌ی نوبل دریافت کرده‌اند.
۲. به طور مثال رجوع شود به چانگ (۲۰۱۱) نهادها و توسعه اقتصادی، تئوری، سیاست‌گذاری و تاریخ؛ و چانگ (۲۰۲۰) سیاست‌های صنعتی در قرن بیست و یکم.
۳. کشورهای آسیای شرقی پس از تجربه‌ی بحران مالی سال ۱۹۹۷، به افزایش ذخایر ارزی اقدام کردند تا به این طریق سپر محکمی در مقابل جریان زیان‌آور ورود و خروج ناخواسته‌ی سرمایه خارجی ایجاد کنند (هیون ۲۰۱۱).
۴. به نقل از صفحه ۵۱ ترجمه فارسی کتاب تجربه توسعه آسیای شرقی.
۵. دو دهه حضور نظامیان امریکا در افغانستان و سرازیر شدن میلیاردها دلار کمک به این کشور به توسعه اقتصادی افغانستان منجر نشده است.
۶. به طور مثال رجوع شود به موسوی جهرمی و قبادی (۱۳۹۵) درس‌هایی از تجربه خودروسازی در کشور کره جنوبی؛ حسینی‌گلی و ساعی (۱۳۹۶) مطالعه تطبیقی سیاست‌گذاری ایران و کره جنوبی در عرصه صنعت خودرو.
۷. برای نمونه رجوع شود به بروجنی (۱۳۷۳) جایگاه عوامل فرهنگی در توسعه اقتصادی؛ و بنیانیان (۱۳۸۶) فرهنگ توسعه در ایران.
۸. عملکرد ضعیف اقتصادی کشورهای صادرکننده‌ی منابع طبیعی مانند نفت، به شکل‌گیری نظریه نفرین منابع منجر شده است. براساس این نظریه درآمد حاصل از صادرات منابع طبیعی ناکارآمدی دولت در کشورهای در حال توسعه را تشدید می‌کند. دولت در این کشورها به جای ایجاد زمینه‌ی مناسب برای رشد سرمایه‌گذاری و تولید، با توزیع رانت، عامل اخلال در اقتصاد است.

کتاب‌نامه

- بروجنی، فرشید. (۱۳۷۳). جایگاه عوامل فرهنگی در توسعه اقتصادی، فرهنگ توسعه، شماره ۱۵: ۹-۱۳.
- بنیانیان، حسن. (۱۳۸۶). فرهنگ توسعه در ایران، تهران: امیرکبیر.

نقد کتاب معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه ... (زهرا کریمی موغاری) ۳۲۹

چانگ، ها جون. (۱۳۹۸). معجزه، بحران و آینده؛ تجربه توسعه آسیای شرقی، مترجم لیلا سادات فاطمی نسب، تهران: نشر ثالث.

چانگ، ها جون. (۱۳۹۸). *انداختن نردبان*، مترجمان زهرا کریمی، جواد براتی و محمد عبدی، مشهد: جهاد دانشگاهی.

چانگ، ها جون. (۱۳۹۵). *نیکوکاران نابکار؛ افسانه‌ی تجارت خارجی آزاد و تاریخچه‌ی پنهان سرمایه‌داری*، مترجمان مهرداد شهابی و میرمحمود نبوی، تهران: نشر اختران.

چانگ، ها جون. (۱۳۹۲). *۲۳ نکته‌ی مکتوم سرمایه‌داری*، مترجمان مهرداد شهابی و میرمحمود نبوی، تهران: نشر اختران.

حسینی گلی، سید اسماعیل و ساعی احمد. (۱۳۹۶). *مطالعه تطبیقی سیاستگذاری ایران و کره جنوبی در عرصه صنعت خودرو، مطالعات روابط بین الملل*، شماره ۳۹: ۱۹-۹.

موسوی جهرمی، یگانه و امین قبادی. (۱۳۹۵). *درس‌هایی از تجربه خودروسازی در کشور کره جنوبی، فصلنامه روند*، شماره ۷۳: ۱۴۹-۱۲۳.

Bradford, Colin. (1994). *From Trade-Driven Growth to Growth-Driven Trade: Reappraising the East Asian Development Experience*, Paris: Organisation for Economic Cooperation and Development.

Chang, Ha Joon. 1984. *The Political Economy of Industrial Policy*, London: Mcmillan.

Chang, Ha Joon. 2002. *Kicking Away the Ladder: Development Strategy in Historical Perspective*, London: Anthem.

Chang, Ha Joon. 2006. *The East Asian development experience: the miracle, the crisis and the future*, London: Zed book.

Chang, Ha Joon. 2007. *Institutional Change and Economic Development*, Tokyo: United Nations University Press.

Chang, Ha Joon. 2008. *Bad Samaritans: The Myth of Free Trade and the Secret History of Capitalism*, Bloomsbury.

Chang, Ha Joon. 2010. *23 Things They Don't Tell You About Capitalism*, London: Penguin Books Ltd.

Chang, Ha Joon. 2011. "Institutions and Economic Development: Theory, Policy and History", *Journal of Industrial Economics*, Vol. 7, No. 4: 473-498.

Chang, Ha Joon. 2020. "Industrial Policy in the 21st Century", *Journal of Development and Change*, Vol. 51, No. 2: 324-351.

Frankel, J. 1998. *The Asian Model, the Miracle, the Crisis and the Fund*, Washington: US International Trade Commission,.

- Henderson, J. 1998. "Uneven Crisis: Institutional Foundation of East Asian Economic Turmoil", Transitional Communities Working Paper, WPTC 98-13, Faculty of Anthropology and Geography, University of Oxford.
- Hyun Song Shing. 2011. "Global Liquidity", in In the Wake of the Crisis, Oliver Blanchard (ed.), International Monetary Fund.
- Mckinnon, R. and Pill H. 1998. "International Overborrowing – A Decomposition of Credit and Currency Risk", World Development, Vol. 26, No. 7: 1267-1282.
- World Bank. 1993. The East Asian Miracle; Economic Growth and Public Policy, Washington: World Bank.
- World Bank. 2020. The World Bank Data,
<https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.PCAP.CD>

